یادداشت روز

ترامپ رفت، بایدن آمد در، اما روی همان پاشنه می‌چرخد

۱- اکنون که در حال مطالعه این یادداشت هستید- اگر اتفاق خاصی نیفتاده باشد- انتقال قدرت از ترامپ به بایدن صورت گرفته و عده‌ای در کشور ما، به اندازه «جو بایدن» خوشحالند، شاید حتی، خوشحال‌تر از بایدن! این را می‌شود از مواضعی که پس از قطعی شدن پیروزی این پیرِ دموکرات در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا می‌گرفتند، فهمید. به احتمال قریب به یقین، تیتر و عکس یک امروزشان را هم طوری تنظیم می‌کنند که القاء شود، دوران گل و بلبل فرارسیده و اگر دلار از ۳۰۰۰ تومان به ۳۰ هزار تومان رسید، به خاطر بی‌عرضگی آنها نبود، به خاطر رفتن اوباما و آمدن ترامپ بود! و حالا هم اگر دلار شده مثلا ۲۲ هزار تومان، به خاطر این است که، ترامپ رفته و بایدن آمده و اگر برویم بر سر موشک‌هایمان هم مذاکره کنیم، دلار خواهد شد مثلا ۳ هزار تومان! این طیف سیاسی که توصیف شد، «از بی‌عملی» است که رنج می‌برد و از خود، هنر و تخصصی ندارد و اداره امور کشور و معیشت مردم را به «تحولات خارجی» آن هم هزاران کیلومتر آن‌طرف‌تر، گره زده است و بالطبع با این وضعِ اداره کشور، نباید از اوضاع اقتصادی امروز کشور، متعجب شد. گاهی برای یافتن دلایل یک معضل، دلایل آنقدر واضح و جلوی چشم‌اند که، نیازی به کار دانشگاهی و تحقیقات پیچیده علمی نیست. غم‌انگیزتر اینکه، مواضع جریان سیاسی نزدیک به دولت نشان می‌دهد، قرار نیست، تغییری در «سیاست‌های به بن‌بست خورده» ایجاد شود و از آن طرف، آن طرفی که امید به آن بسته نیز، تغییری در سیاست‌هایش ایجاد نکرده است. به اظهارات دیروز رئیس‌محترم دولت درباره برجام و مذاکره نگاه کنید! به تکرار سیاست‌های ترامپ از زبان وزیرخارجه بایدن نیز نظری بیفکنید. تفاوتی می‌بینید؟! جناب رئیس‌جمهور همان وعده‌های ۷ و نیم سال پیشش را تکرار می‌کند با همان نقشه راه و صرفا با کمی تفاوت در هیجانِ بیان، و جناب بلینکن هم، حرف‌های ترامپ را می‌زند، با همان هَدف و با ادبیاتی متفاوت! در، اما روی همان پاشنه می‌چرخد.

۲- ترامپ دیروز ساعاتی قبل از ترک کاخ سفید، هر آنچه لایق خود بود، علیه سردار بزرگِ کشورمان سلیمانی، بر زبان راند. یک روز قبل از او نیز آنتونی بلینکن، وزیر خارجه بایدن تصریح کرد، «از کشته شدن سلیمانی ناراحت نیستیم». او از سیاست‌های ترامپ درباره برجام هم دفاع کرد فقط با یک تفاوت کوچک؛ ترامپ قائل به خروج از برجام و آغاز مذاکراتی جدید با هدف، «تضعیف توانایی‌های موشکی و منطقه‌ای ایران» بود، و بلینکن قائل به ورود به برجام و طی شدن همین پروسه برای «تضعیف توانایی‌های موشکی و منطقه‌ای ایران» است! او درباره ونزوئلا، فلسطین، چین، روسیه و ایران نیز تقریبا همان سیاستی را در پیش گرفت که ترامپ در پیش گرفته بود: تاکید بر ادامه فشارها بر چین، باقی ماندن سفارت آمریکا در قدس، رفتن مادورو و آمدن گوایدوی کودتاچی و....!

۳- به گفته استراتژیست‌ها و کارشناسان بین‌المللی، تبعات بلایی که ترامپ بر سر آمریکا آورده، (چه در حوزه داخلی و چه در حوزه خارجی) به این سادگی‌ها و به این زودی‌ها دست از سر این کشور برنخواهد داشت. دیروز روزنامه انگلیسی «گاردین» نوشت، دولت جدید آمریکا کار «بسیار سختی» پیش رو دارد و به این سادگی‌ها نخواهد توانست، از وضعی که در آن گرفتار شده خارج شود. «برنی سندرز»، سناتور مشهور ایالت «ورموند» نیز، با اعلام اینکه «امروز آخرین روزِ بدترین و خطرناک‌ترین رئیس‌جمهور تاریخ آمریکاست» گفت، ترامپ «بدترین اقتصاد، نابرابریِ ثروت و میراث» را برجای گذاشته است. «ریچارد هاس»، رئیس اَندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا نیز در واکنش به یورش طرفداران «دونالد ترامپ» به کنگره این کشور و اشغال چند ساعته آن، گفته بود «اگر قرار باشد تاریخی برای شروع دوران پسا آمریکایی تعیین کنیم، همین امروز است». وی این را هم اضافه کرده بود که «بعد از این دیگر کسی به آمریکا احترام نخواهد گذاشت». ترامپ هم که ۷۵ میلیون رای دارد، دیروز گفت، حزبی را تشکیل خواهد داد و دست از مبارزه برنخواهد داشت. به این وضع، خسارات سنگین اقتصادی، امنیتی، جانی و حیثیتی کرونا را اضافه کنید که، آمریکا را به بزرگ‌ترین قربانی کرونای جهان تبدیل کرده است. همینطور بدهی چند تریلیون دلاری این کشور و برگزاری مراسم تحلیف با نفربرهای زرهی و حکومت نظامی را! این‌ها گوشه بسیار کوچکی از خبرهایی است که، طی همین یکی دو روز گذشته درباره وضعیت آمریکا مخابره شده‌اند. با وضعی که خود تشریح می‌کنند، منطق حکم می‌کند بپذیریم، آنها درگیر گرفتاری‌های وحشتناک خودشان هستند و اگر هنر کنند بتوانند، کمر خود را راست کنند! دل به آنها بستن، خودفریبی و آب در هاون کوبیدن است.

۴- ماه‌های پیش رو می‌تواند ماه‌های بدی برای ما باشد اگر، عاملان وضع موجود بخواهند با همان دست فرمانی کشور را اداره کنند که تاکنون اداره کرده‌اند. آمریکا تا آنجا که توانسته و تا آخرین ساعات ریاست‌جمهوری ترامپ، علیه ایران و متحدانش تحریم وضع کرده تا عمق خباثت این رژیم و کینه‌اش از جمهوری اسلامی ایران را نشان دهد. تحریم‌ها اگر تاثیری داشته، تاثیرش را گذاشته، از این سو، جمهوری اسلامی ایران نیز توانسته راه‌های تازه‌ای برای دور زدن تحریم‌ها پیدا کند. تَکرار مجدد راهبرد ۷ و نیم سال گذشته در این چندماه باقی‌مانده نیز می‌تواند به دلایل متعدد خطرناک هم باشد: تحرکات خوبی که برای عبور از مشکلات و سختی‌ها شروع شده و بعضا به نتایج خارق‌العاده‌ای نیز رسیده‌اند، متوقف می‌شوند. راه‌های دور خوردن تحریم‌ها، دوباره بسته می‌شوند، اقتصاد که در حال رهایی از شرطی شدن‌های کاذب سیاسی است، دوباره شرطی می‌شود. کشور معطل دشمن می‌ماند! به این نکته مهم نیز باید توجه داشت که، آنچه فعال شدن مکانیزم ماشه از سوی آمریکا علیه ایران را «خنثی» کرده، خارج بودن آمریکا از برجام است. چه تضمینی هست که با ورود مجدد آمریکا به برجام، این مکانیزم به طور موثر فعال نشود؟ (اگر چه معتقدیم، این مکانیزم عملا فعال است چرا که نه تنها یک تحریم هم لغو نشده بلکه، صدها تحریم نیز علیه کشورمان اعمال شده و اروپایی‌ها نیز خود را موظف دانسته‌اند مو به مو به این تحریم‌ها عمل کنند). اظهارات سه‌شنبه‌شب وزیر خارجه بایدن نیز نشان داد، دولت جدید آمریکا با مشورت آن چند کشور بدعهد اروپایی، تحرکات مشترکی را علیه کشورمان شروع خواهند کرد. همان کشورهایی که عده‌ای در داخل می‌گفتند، «برجام» بینشان اختلاف انداخته! این هم یعنی، بروز اختلافات تاکتیکی بین آمریکا و اروپا بر سر ایران به‌خاطر برجام نبود، به‌خاطر ترامپ بود و برخی از دوستانمان در ایران اینجا نیز به مردم دروغ گفتند!

۵- هیچ بعید نیست دولت بایدن برای جلوگیری از «حذف» برخی از این جریان‌های سیاسی واداده در کشورمان، یکی دو تحریم نه چندان موثر از هزاران تحریم ترامپ و اوباما را لغو کند. قدرت جادویی رسانه، آن را برای مردم «برجسته» نماید. گشایشی سطحی، کوتاه مدت و روانی (نه واقعی و اصولی) در اقتصاد کشور ایجاد شود. یعنی همان چرخه باطلی که کشور را به این نقطه رسانده، دوباره تکرار شود. مردم یک واقعیت مهم را نباید فراموش کنند. اصلی‌ترین، موثرترین و بیشترین تحریم‌ها را همین دموکرات‌ها علیه کشورمان اعمال کرده‌اند و بایدن برای تشکیل دولتش، از مهره‌هایی استفاده کرده که بعضا نقش اصلی را در تهیه و تحمیل تحریم‌ها به مردم ایران داشته‌اند. از زمان وقوع انقلاب اسلامی در ایران تاکنون این کشور چیزی بالغ بر ۳۵ قانون جامع تحریمی علیه کشورمان وضع کرده که از این تعداد ۲۴ مورد از سوی دموکرات‌ها و ۱۱ مورد فقط از سوی اوباما بوده! در مواجهه با ایران، فرقی بین جمهوری‌خواه و دموکرات، ترامپ و بایدن و اوباما نیست و با آمدن بایدن تغییری در نفسِ دشمنی آنها با ایران ایجاد نخواهد شد. به قول قدیمی‌ها «سگ زرد برادر شغال است».

جعفر بلوری

وزیر خارجه بایدن اهداف ترامپ درباره برجام را تکرار کرد

گزینه پیشنهادی جو بایدن برای تصدی سمت وزارت خارجه آمریکا، یاوه‌گویی‌های ترامپ درباره ایران در مسئله برجام را تکرار کرد.

آنتونی بلینکن، گزینه پیشنهادی جو بایدن، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا برای تصدی سمت وزارت خارجه آمریکا در جلسه تأیید صلاحیت خود در مجلس سنا سیاست‌های دولت آتی آمریکا در قبال برجام را تشریح کرد. بلینکن در پاسخ به سوال «رابرت مننندز»، رئیس کمیته روابط خارجی مجلس سنا مبنی بر اینکه آیا با کنگره برای رسیدن به اجماع درخصوص ایران و مقابله با این کشور به‌عنوان یک چالش همکاری خواهد کرد گفت: پاسخ این سوال مثبت است.

وی اضافه کرد: هنگامی که صحبت از سیاستی تااین حد چالش‌انگیز یعنی مقابله با ایران مطرح است، اگر بتوانیم درباره این مسائل همفکری کنیم در وضعیت بهتری قرار خواهیم داشت. او سپس گفت: درخصوص ایران دو نکته وجود دارد. اول اینکه، رئیس‌جمهور منتخب بایدن به این گزاره که ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا نخواهد کرد متعهد است و می‌دانم که همه ما در این کمیته درخصوص این هدف هم‌نظریم. بلینکن در ادامه ادعاهای خود اضافه کرد: ایران مجهز به سلاح هسته‌ای یا در آستانه دستیابی به آن و یا با ظرفیت ساخت چنین سلاحی در کوتاه‌مدت، در زمینه‌های اقدامات مخرب دیگر اعم از حمایت از تروریسم، حمایت از نائبانش و یا بی‌ثبات کردن منطقه کشوری خواهد بود که اقدامات خطرناک‌تری نسبت به الان انجام خواهد داد.

وی اضافه کرد: بنابراین، فکر می‌کنم ما مسئولیت فوری داریم تا هر آنچه می‌توانیم برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح یا به دست آوردن ظرفیت‌گریز هسته‌ای برای ساخت چنین سلاحی انجام دهیم.

بلینکن گفت: از نظر من، برجام علی‌رغم محدودیت‌هایش در مأموریت خودش برای بستن مسیرهای دستیابی ایران به مواد هسته‌ای لازم جهت ساخت سلاح هسته‌ای موفق عمل می‌کرد. این توافق علاوه بر این، شدیدترین بازرسی‌ها در تاریخ کنترل تسلیحاتی را مستقر کرد.

برجامیزه کردن توان موشکی و منطقه‌ای!

وی در ادامه گفت: رئیس‌جمهور منتخب معتقد است که اگر ایران به توافق بازگردد ما هم به این توافق برمی‌گردیم، اما از این مسئله، همراه با متحدانمان که بار دیگر با ما همراستا می‌شوند به‌عنوان سکویی برای دستیابی به یک توافق طولانی‌تر و قوی‌تر و رسیدگی به مسائل دیگر به‌خصوص مسئله موشکی و فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده ایران استفاده خواهیم کرد. بلینکن در ادامه اضافه کرد: حالا که این گفته شد، باید بگویم که با این نقطه فاصله زیادی داریم. باید ببینیم بعد از اینکه رئیس‌جمهور منتخب سر کار می‌آید ایران چه اقداماتی انجام می‌دهد و آماده انجام چه اقداماتی است، بعداً اگر آنها می‌گویند که به پایبندی برجام برگشته‌اند باید ارزیابی کنیم ببینیم آیا به وعده‌هایشان عمل کرده‌اند یا خیر.

او در ادامه تصریح کرد که درخصوص برجام با نماینده‌های کنگره و همچنین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی منطقه رایزنی خواهد کرد. بلینکن گفت: بله، ما حتما با شما (نماینده‌های کنگره) مشورت خواهیم کرد. فکر می‌کنم همان‌طور که رئیس (کمیته روابط خارجی مجلس سنا) گفت مهم است که در آغاز این فرایند و نه پایان آن، با متحدان و شریکانمان در منطقه از جمله اسرائیل و کشورهای خلیج [فارس] هم تعامل کنیم. ساعاتی قبل‌تر، آوریل هینس، گزینه پیشنهادی جو بایدن برای تصدی سمت مدیر اطلاعات ملی آمریکا نیز در اظهاراتی مشابه گفته بود که آمریکا با بازگشت به برجام فاصله دارد. او در پاسخ به سوال یک سناتور که درباره سیاست تیم بایدن درخصوص برجام سوال پرسید گفت: رئیس‌جمهور منتخب گفته اگر ایران قرار باشد به پایبندی برجام برگردد او دستور می‌دهد که ما هم همین کار را انجام دهیم.

هینس گفت: رئیس‌جمهور منتخب علاوه بر این گفته که هنگام انجام این کار ما باید نگاهی هم به مسائل موشک‌های بالستیک و اقدامات بی‌ثبات‌کننده [ایران] که شما به آنها اشاره کردید داشته باشیم.

در روزهای گذشته، خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از یک منبع نزدیک به تیم بایدن نوشته بود او بازگشت به برجام را «کف سیاست‌های خود در قبال ایران می‌بیند و نه سقف آن».

چندی پیش جیک سالیوان، که اخیراً از سوی «جو بایدن» به‌عنوان گزینه تصدی سمت مشاور امنیت ملی آمریکا معرفی شده در یادداشتی اکتبر ۲۰۱۹ در نیویورک‌تایمز نوشته بود: ایرانی‌ها هم باید واقع‌بینانه‌تر عمل کنند زیرا تصور رفع تحریم‌ها از سوی ایالات متحده بدون اطمینان از ورود ایران به مذاکراتی که در آن دست‌کم برنامه زمانی توافق گسترش داده می‌شود و موضوعاتی مثل راستی‌آزمایی و موشک‌های بالستیک بین‌قاره‌ای را شامل می‌شود، اشتباه است.

جیک سالیوان چند هفته پیش هم در مصاحبه با سی‌ان‌ان موضع مشابهی مطرح کرد. او گفت در صورتی که ایران به تعهدات خود در برنامه هسته‌ای عمل کند، همان‌طور که بایدن گفته است آمریکا به این توافق باز خواهد گشت اما این بازگشت باید سرآغاز مذاکراتی دیگر باشد.

بلینکن: از ترور سردار سلیمانی متأسف نیستم!

آنتونی بلینکن در بخش دیگری از این جلسه به سوال یک سناتور درخصوص دلیل مخالفت با اقدام «دونالد ترامپ» در ترور سردار «قاسم سلیمانی»، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پاسخ داد. بلینکن تصریح کرد که از ترور سردار سلیمانی متأسف نیست اما این اقدام آمریکا را امن‌تر نکرده است.

وی در اظهارنظری گستاخانه و بی‌شرمانه گفت: هیچ‌کس برای حذف قاسم سلیمانی‌اشک نمی‌ریزد. هیچ‌کس از این بابت که او دیگر آنجا نیست تأسف نمی‌خورد. اما مسئله این نیست که آیا حذف او کار صحیحی بود یا خیر بلکه مسئله پیش‌بینی تبعات چنین اقدامی بود و پرسیدن اینکه آیا این اقدام ما را ایمن‌تر می‌کند یا خیر؟

تکرار یاوه‌گویی‌های ترامپ

بلینکن در اظهارات مذکور، یاوه‌گویی‌های ترامپ و پمپئو درباره ایران را تکرار کرده است.

ترامپ و پمپئو مدعی بودند که برجام ناقص است و باید با تعمیم آن به حوزه‌های دیگر از جمله توان موشکی و قدرت منطقه‌ای ایران و دائمی کردن محدودیت‌های هسته‌ای کشورمان، کامل شود. حالا بایدن و اعضای کابینه وی نیز دقیقاً همان اظهارات گستاخانه و خصمانه را بیان کرده‌اند.

لازم به ذکر است که بلینکن یکی از طراحان و حامیان تحریم‌های ضدایرانی است. بلینکن معتقد است که تحریم‌های ضدایرانی باید تا زمانی که توافق گسترده‌تر و طولانی‌تر با تهران امضا نشده، همچنان ادامه یابد. هم بایدن و هم ترامپ در رویکردی زورگویانه و غارتگرانه تأکید دارند که برجام ناقص است و باید با دائمی کردن محدودیت‌های هسته‌ای ایران و ضمیمه کردن توان موشکی و قدرت منطقه‌ای کشورمان، این توافق تکمیل شود.

اما متأسفانه برخی از دولتمردان و فعالین مدعی اصلاحات اصرار دارند که بایدن خیالی را به جای بایدن واقعی نشانده و این سراب را به افکار عمومی قالب کنند. همین طیف در سال‌های گذشته با ادعاهایی همچون «امضای کِری تضمین است» و «اوباما را فردی مودب! و باهوش! یافتم» و «دولت آمریکا پرستیژ بین‌المللی خود را به‌خاطر یک توافق خدشه‌دار نمی‌کند» و «آمریکا قول داده است» و... خسارت محض برجام را به کشور تحمیل کردند.

آیت‌الله جنتی:

اتفاقات اخیر آمریکا درس عبرتی است برای کسانی که امید به این کشور بحران‌زده دارند

دبیر شورای نگهبان گفت: اتفاقات اخیر آمریکا که منجر به ایجاد خشونت، شکاف‌های عمیق در جامعه و حاکمیت و بی‌اخلاقی‌های زیادی شد، درس عبرتی برای کسانی که همچنان چشم به این کشور بحران‌زده دارند.

آیت‌الله احمد جنتی دبیر شورای نگهبان در جلسه این شورا با اشاره به مراسم تحلیف رئیس‌جمهور جدید آمریکا، گفت: تحلیلگران و نویسندگان مستقل در دنیا باید سال‌ها، اتفاقات اخیر آمریکا که منجر به ایجاد خشونت، شکاف‌های عمیق در جامعه و حاکمیت و بی‌اخلاقی‌های زیادی شد را بررسی کنند تا درس عبرتی برای کسانی شود که همچنان چشم به این کشور بحران‌زده دارند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شورای نگهبان، وی تأکید کرد: وضعیت به قدری در آمریکا آشفته شده که دیگر چیزی به نام دموکراسی، اخلاق و انسانیتِ باقی نمانده و حاکمان این کشور صرفاً به فکر منافع شخصی و جناحی خود هستند.

دبیر شورای نگهبان با بیان اینکه آمریکا سال‌هاست با بحران‌های عمیقی دست و پنجه نرم می‌کند اما عملکرد و رفتار ترامپ سرعت آن را بیشتر کرد، افزود: ترامپ تا توانست کشورهای وابسته به خود مثل عربستان که به گفته خودشان مثل گاو شیرده برای آنهاست را دوشید و از آنها باج گرفت و با بحرانی که در کشورش ایجاد کرد وضعیت اقتصاد، سیاست و شکاف‌های اجتماعی و هویتی آمریکا را بغرنج‌تر کرد.

آیت‌الله جنتی در خاتمه با تأکید بر اینکه دنیا باید از جمهوری اسلامی ایران الگو بگیرد و به آمریکای بحران‌زده باج ندهد و سیاست مستقل خود را داشته باشد، خاطرنشان کرد: ما نیز در داخل باید همچنان در مسیر امام(ره) و رهبر انقلاب که همان صراط مستقیم است، حرکت کنیم و با تکیه بر توان و ظرفیت‌های داخلی، خود را مقاوم سازیم؛ از طرفی مسئولان نیز باید به وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم که دچار مشکل شده، رسیدگی فوری کنند.

خبر ویژه

سلب اطمینان از سرمایه‌گذاران با شوک تصمیمات متناقض دولت

سیاست‌های متناقض دولت درباره بازار بورس و ارز، مردم و فعالان اقتصادی را آزار می‌دهد.

روزنامه خراسان در این‌باره نوشت: نرخ ارز از اواخر سال گذشته و به‌ویژه اوایل امسال روند صعودی شتابانی داشت و تا پایان تابستان به حداکثر رسید و سپس روند نزولی داشت تا اینکه در روزهای اخیر این روند نزولی شدت یافت. بورس نیز تقریبا از همین روند تبعیت کرد و قیمت سهام و شاخص کل به‌عنوان نماینده قیمت سهام با رشدی حتی شتابان‌تر و بیشتر به نسبت افزایش نرخ ارز، جهش یافت و پس از چهار برابر شدن طی پنج ماه ابتدای سال، روند نزولی در پیش گرفت و اکنون تقریبا به نصف رقم ثبت شده در ۱۹ مرداد امسال نزدیک می‌شود.درباره اینکه چه مقدار دعوت به حضور مردم در بورس با وجود آشکار شدن نشانه‌های حباب در این بازار، غلط بود، سخن فراوان گفته شده است. استفاده از ادبیاتی که القای بیمه کردن بورس توسط دولت را می‌داد و عرضه سهام دولتی مثل دارایکم و پالایشی یکم این برداشت را مطرح می‌کرد که دولت از بورس حمایت می‌کند و اجازه ریزش شاخص را نمی‌دهد، اما زمانی که جرقه ریزش بازار زده شد، بازار حدود هفت هزار هزار میلیارد تومانی (هفت میلیون میلیارد تومانی) با دخالت حقوقی‌ها و خرید چند هزار میلیارد تومانی سهام توسط آنها قابل مهار نبود و چنین ریزشی رقم خورد.

حمایت از رشد شتابان بورس در ماه‌های نخست سال با هر انگیزه‌ای از جمله جبران کسری بودجه، باید با این ملاحظه همراه می‌شد که بخش قابل توجهی از این رشد معلول جهش نرخ ارز است و اگر ورق بازار ارز برگردد نمی‌توان بورس را صعودی نگه داشت. این یک گزاره اثبات شده است که شاخص کل بورس به میزان قابل توجهی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، تحت تأثیر رشد نرخ ارز است و در صورت افت نرخ ارز، بورس با ریزش مواجه می‌شود. وقتی چنین واقعیت تاریخی تکرار شده‌ای در اقتصاد وجود دارد و مشخص است که دلار بالای ۳۰ هزار تومان به دلایل سیاسی و اقتصادی پابرجا نیست و از آن مهم‌تر، رئیس‌جمهور به امید گشایش منابع بلوکه شده، وعده دلار ۱۵ تومانی را می‌دهد، ریزش شدید بورس هم گریزناپذیر است.مهم‌ترین وظیفه دولت به‌عنوان متولی اجرایی کشور این است که در شرایط کلان اقتصادی بتواند شرایط نسبتاً پیش‌بینی‌پذیری را برای سرمایه‌گذاری فراهم کند چرا که ثبات قیمت ارز چه بسا مهم‌تر از کاهش هیجانی باشد. وعده دلار ۱۵ و حتی ۱۲ هزار تومانی اگر تاریخ مصرف کوتاه‌مدت داشته باشد و پس از چند ماه مثلا به حدود ۱۸ تا ۲۰ هزار تومان بازگردد، خیلی بدتر از این است که برای یک دوره مثلا یک‌ساله نرخ ارز روی بازه‌ای در حد ۱۸ تا ۲۰ هزار تومان تثبیت شود. واقعیت این است که جهش‌های شدید و سقوط‌های بزرگ چه در نرخ ارز و چه در بورس هم به معیشت مردم بیشتر از همه چیز آسیب می‌زند و هم به سرمایه‌گذاری. اگر با وجود جهش نرخ ارز، سیاست گذار با استفاده از ابزارهای قانونی، جلوی جهش شدید بورس را می‌گرفت و ورود نقدینگی به این بازار را کنترل می‌کرد و یک رشد تدریجی‌تر را رقم می‌زد، با چنین ریزش سنگینی مواجه نمی‌شدیم.

نگارنده به هیچ وجه مخالف کاهش نرخ ارز نیست بلکه بحث بر سر تناقض سیاست‌هایی است که مردم را آزار می‌دهد. سیاستی که بورس را با جهش نرخ ارز به عرش اعلا می‌برد و با افت نرخ ارز بر زمین می‌زند!

نقشه «بازی با ظریف» نگرفت بگویید فضاسازی منتقدان است(!)

یک روزنامه اصلاح‌طلب، اصرار بر نامزدی محمدجواد ظریف در انتخابات ۱۴۰۰ را تخریب‌گری مخالفان و جریان رقیب توصیف کرد!

به گزارش آفتاب یزد، یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با این روزنامه ضمن رد کاندیداتوری ظریف برای ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ می‌گوید: «وقتی خودش بارها گفته نمی‌آید اما بازهم از او به‌عنوان یک گزینه احتمالی نام می‌برند ذهن به این سو می‌رود که شاید این مسئله مهندسی شده و تخریبی باشد!»

علی صوفی همچنین افزود:«اینکه هرازگاهی می‌بینید بحث کاندیداتوری آقای ظریف مطرح می‌شود اگر به منشا و مرجع خبر خوب دقت کنید خواهید دید این مسئله از جناح رقیب استارت خورده و بیشتر از آن جهت است که مسیر ائتلاف با لاریجانی را تنها گزینه پیش‌روی اصلاح‌طلبان معرفی کنند تا در نهایت هیچ اصلاح‌طلب واقعی کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری نشود.»(!!)

صوفی می‌گوید:« تا آنجا که من می‌دانم گزینه‌ای به نام ظریف مدنظر اصلاح‌طلبان نبوده و نیست. یک وقت‌هایی ذهن به سمت مهندسی بودن مطرح شدن نام ظریف می‌رود تا او را تخریب کنند یا شاید می‌خواهند اصلاح‌طلبان را خلع سلاح کنند یا حتی ممکن است بحث یک ائتلاف در میان باشد اما هرچه که هست به معنای مدنظر بودن ظریف در جناح اصلاح‌طلبی نیست.»

ادعای علی صوفی در حالی است که پیش از این برخی محافل اصلاح‌طلب از جمله روزنامه‌هایی مانند شرق و اعتماد و... به شکل پررنگ، احتمال نامزدی ظریف را برجسته کرده بودند که با بی‌اعتنایی منتقدان روبرو شد. به عبارت دیگر حالا که بازی تحریک منتقدان به واکنش نگرفته، افراطیون مدعی اصلاحات، گارد خود را عوض کرده و پروژه ناکام خود را به رقبا و منتقدان نسبت می‌دهند!

مداخلات دستوری و ناهماهنگی در دولت علت تنش در بورس

روزنامه همشهری از روزنامه‌های حامی دولت از قول کارشناسان تصریح کرد: دولت باید با تزریق نقدینگی، توقف قیمت‌گذاری دستوری و کاهش مداخلات، جلوی فراگیر شدن بحران بورس را بگیرد.

این روزنامه در گزارشی خاطرنشان کرد: ارزش بازار سهام ۳۰۰۰ هزار میلیارد تومان کاهش یافته و شاخص بورس ۵۰ درصد نزول کرده است. ۱۶۰ روز از زمان نزول بازار سهام گذشته و حالا کارشناسان بازار سرمایه به اجماع رسیده‌اند که راه‌حل نجات بورس دریافت کمک‌های دولتی مانند سایر نقاط دنیاست.

کارشناسان بازار سرمایه بر این باورند که دولت باید با تزریق نقدینگی بازار سهام را نجات دهد به‌ویژه آنکه یکی از دلایل رشد بازار سهام در سال‌جاری سیاست‌های دولت بود و دولت از این طریق توانست بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی از بازار سرمایه جمع‌آوری کند. دولت به‌طور مستقیم و غیرمستقیم ۶۰ درصد بازار سرمایه را در اختیار دارد و این موضوع مسئولیت دولت را برای نجات بازار سرمایه و تقویت سطح اعتماد به بورس بیشتر می‌کند.

آن‌طور که کارشناسان می‌گویند دولت باید از طریق راهکارهایی ازجمله تزریق نقدینگی، توقف نظام قیمت‌گذاری دستوری و کاهش مداخلات در قانونگذاری، جلوی نزول بورس و ایجاد بحران فراگیر را بگیرد.

علیرضا عسکری‌مارانی، از جمله کارشناسانی است که اعتقاد دارد راهکار نجات بازار سرمایه توقف قیمت‌گذاری دستوری و دولتی است.

فردین آقابزرگی دیگر کارشناس بازار سرمایه هم با بیان اینکه تصمیمات اقتصادی دولت بیشترین اثر را بر بورس می‌گذارد، می‌گوید: فراخوان دولت به مردم برای حضور در بازار سرمایه، کنترل نرخ ارز، وضع قوانین و مقررات همچون قیمت‌گذاری فولاد و تصمیمات این چنین روی بازار سرمایه اثرگذار است. اگر هماهنگی بین ارکان مختلف دولتی در حوزه اقتصاد وجود داشته باشد بازار سرمایه به آرامش می‌رسد. تا زمانی که این هماهنگی ایجاد نشود تنش و نوسان در بازار سرمایه طبیعی است.

نشنال اینترست: بازدارندگی آمریکا در مقابل ایران شکست خورده است

یک نشریه تخصصی آمریکا در صفحه ۵ سیاست خارجی تأکید کرد محاسبات آمریکا درباره بازدارندگی مقابل ایران اشتباه بوده است.

نشنال اینترست در ارزیابی بازدارندگی آمریکا مقابل ایران نوشت: آمریکا در حال حاضر حدود ۴۵ تا ۶۵ هزار نیرو در خاورمیانه دارد که هر ماه میلیاردها دلار هزینه دارند. با این حال، این استراتژی پرهزینه هیچ تأثیری در جلوگیری از حمله موشکی به نیروها و مواضع آمریکایی نداشته است. زمان آن رسیده که دریابد سیاستی که در حال حاضر به اجرا درآورده اصلاً بازدارنده نیست.

رویکرد فعلی بازدارندگی ایالات متحده از طریق حضور گسترده نیروهای نظامی هیچ تأثیری بر ایران یا گروه‌های شبه‌نظامی متحد آن در عراق ندارد. مایک پمپئو گروه‌های شبه‌نظامی متحد ایران را عامل حمله موشکی اخیر دانسته است. ادامه این حملات، کیفر خواست استراتژی فعلی ایالات متحده است و رهبران آمریکا باید دریابند که رویکرد فعلی آنها نه تنها مانع از این حملات نمی‌شود، که بعضاً عامل محرک آنهاست.

طرفداران ادامه حضور آمریکایی در خاورمیانه، برداشت اشتباهی از بازدارندگی دارند. مفهوم «بازدارندگی ستیزه‌جویانه» پس از ترور ژنرال سلیمانی در اوایل سال ۲۰۲۰ پدیدار شد؛ اما اگر بازدارندگی با درگیری همراه باشد دیگر بازدارندگی نیست. اتحاد جماهیر شوروی هرگز به موشک‌های آلمان غربی حمله نکرد. اگر چنین بود، آنگاه شکست بازدارندگی اثبات می‌شد. اما اکنون که صحبت از ایران است، تصمیم‌گیرندگان در ایالات متحده حتی وقتی موشک‌ها به سفارت در عراق اصابت می‌کنند، از استراتژی اشتباه خود روی برنمی‌گردانند.

به گزارش دیپلماسی ایرانی،در ادامه این تحلیل آمده است: سؤال اینجاست که اکنون که قدرت بازدارندگی در هم شکسته، چه راهی برای احیای آن وجود دارد؟ راه حل حضور دو برابری آمریکا در خلیج فارس نیست. استقرار ناوهای بیشتر آمریکایی در منطقه اشتباه است. زیردریایی موشکی مستقر در خلیج فارس هم نمی‌تواند از نیروهای آمریکایی در برابر حملات احتمالی محافظت کند و از این رو،تنها درک ایران از تهدید آمریکایی را تشدید می‌کند. به علاوه، حضور نیروهای بیشتر در منطقه به معنی احتمال بیشتر اشتباه محاسباتی است.

استقرار هر نیرو یا دارایی اضافی تأثیری در قدرت نظامی نخواهد داشت و تنها نگرانی‌ها از آسیب‌پذیر شدن بیشتر آمریکا را افزایش می‌دهد. اگر ایران احساس تهدید کند آنگاه همه نیروها و دارایی‌های آمریکا در خلیج فارس و نزدیکی آن به هدف تبدیل می‌شوند. موشک‌های بالستیک ایران توانایی هدف گرفتن ناوهای آمریکایی و سایر کشتی‌ها را دارند. هرچه نیروهای آمریکایی در فاصله کمتری از مرز ایران مستقر شوند، ایران می‌تواند خسارات بیشتری به بارآورد و تنها راه‌حل برای آمریکا خارج شدن از حیاط خلوت دریایی ایران است. استقرار نیروهای مضاعف در منطقه هیچ تأثیری بر ایران نداشت. ژانویه سال گذشته که تنش‌ها بین دو کشور پس از ترور سلیمانی به بالاترین حد رسید، استقرار هزاران نیروی بیشتر تأثیری در تصمیم ایران در حمله تلافی‌جویانه به پایگاه عین‌الاسد نداشت. ادامه همان استراتژی در برابر ایران و انتظار نتیجه متفاوت، احمقانه است. دولت جدید جو باید باید پیش از هر کاری، این مسئله را در نظر بگیرد که هزینه‌های ماندن در خاورمیانه در برابر منافعی که آمریکا از این حضور می‌برد، بیش از اندازه بالاست و ارزش ندارد. جو بایدن نباید به استراتژی بازدارندگی شکست خورده ادامه دهد.

وال استریت ژورنال: تحریم‌ها موجب رونق تولیدات ایرانی شد

یک روزنامه آمریکایی تاکید کرد ایران راه‌های دور زدن تحریم‌ها را پیدا کرده است.

وال استریت ژورنال، در گزارشی به مقاوم شدن اقتصاد ایران در برابر تحریم‌های آمریکا و به دنبال آن، افزایش تولیدات داخلی و رشد صادرات غیرنفتی نوشت: ایران در این مسیر با مشکلات متعددی مواجه بوده است. اقتصاد متنوع ایران، کالاهایی را تولید می‌کند که از دیرباز وارد می‌کرده است. انبوهی از شرکت‌های ایرانی در واکنش به تحریم‌های دو سال اخیر آمریکا، زمینه‌هایی را در اقتصاد گسترده کشور برای نشان دادن مقاومت پیدا کرده‌اند. شرکت‌های ایرانی، به گونه‌ای فزاینده کالاهایی را که پیش از این از خارج وارد می‌شدند، تولید می‌کنند و شرکت‌های کوچک‌تر نیز که شمار آنها رو به افزایش است، به استخدام نیروی کار مبادرت کرده‌اند.

درآمد خالص صنایع غیرنفتی ایران، در خلال دو سه سال اخیر، با ۸۳ درصد رشد، از درآمد بخش انرژی فراتر رفته است.

محسن توکلی از کارشناسان مسایل مربوط به تحریم‌ها در شورای آتلانتیک می‌گوید حتی در صورت قطع کامل صادرات نفت ایران، اقتصاد این کشور به حیات خود ادامه خواهد داد. تقویت توان اقتصادی ایران، موقعیت این کشور را مستحکم‌تر کرده است. ایران، غنی‌سازی اورانیوم را شتاب بخشیده و در اوایل ماه دسامبر با تصویب قانونی، دسترسی بازرسان هسته‌ای به مراکز هسته‌ای کشور را محدود کرده است.

دولت آمریکا از مدت‌ها پیش از قدرت دلار و دسترسی به سامانه بین‌المللی بانکی برای نقل و انتقال پول که در عمل در کنتر